

نگاهی به شکل‌گیری و توسعه‌ی شهر هشتپر

و پیامدهای مکانی - فضایی آن در جلگه‌ی تالش

شهرام امیرانتخابی هشتپری

دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی

در تالش شده است.

طرح مسأله

شهرنشینی، به ویژه به شکل نوین آن، در بیش‌تر نواحی کشور ما پدیده‌ای نو به شمار می‌رود. به همین علت نیز، ابعاد و پیامدهای زیست محیطی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آن به درستی سنجیده نشده است. تا اوایل دوره‌ی پهلوی، تعداد و جمعیت شهرهای ایران بسیار اندک بود [زنجان، ۱۳۷۱]. اما تحولاتی مانند ارتباط با جهان غرب و ظهور اندیشه‌های نوین سیاسی، شکل‌گیری سرمایه‌داری تجاری، و تحولات پدید آمده به دنبال جنگ دوم جهانی و نهضت ملی شدن نفت، و بالاخره اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی، روی این موضوع تأثیر گذاشتند [سوداگر، ۱۳۶۹]. به ویژه طی چهار دهه‌ی اخیر، با روند شتابان مهاجرت‌های روستایی، شاهد افزایش تعداد شهرها و رشد سریع جمعیت شهرنشین بوده‌ایم [زنجان، ۱۳۶۹]. اما ادامه‌ی این روند، به ویژه در جلگه‌های حاصلخیز خزری که دارای پتانسیل‌های غنی کشاورزی، جنگل، و منابع طبیعی و گردشگری است، پیامدهای زیست محیطی و اقتصادی اجتماعی نگران‌کننده‌ای را به دنبال دارد. بنابراین، گسترش فیزیکی شهرها به درون محدوده‌های جنگلی، باغ‌ها و شالیزارها، و نیز تبدیل روستاها به شهرهای خدماتی، یا الحاق به بافت شهرهای در حال گسترش، این ثروت‌های ملی را به طور جدی تهدید می‌کند.

ویژگی‌های جغرافیایی شهر هشتپر

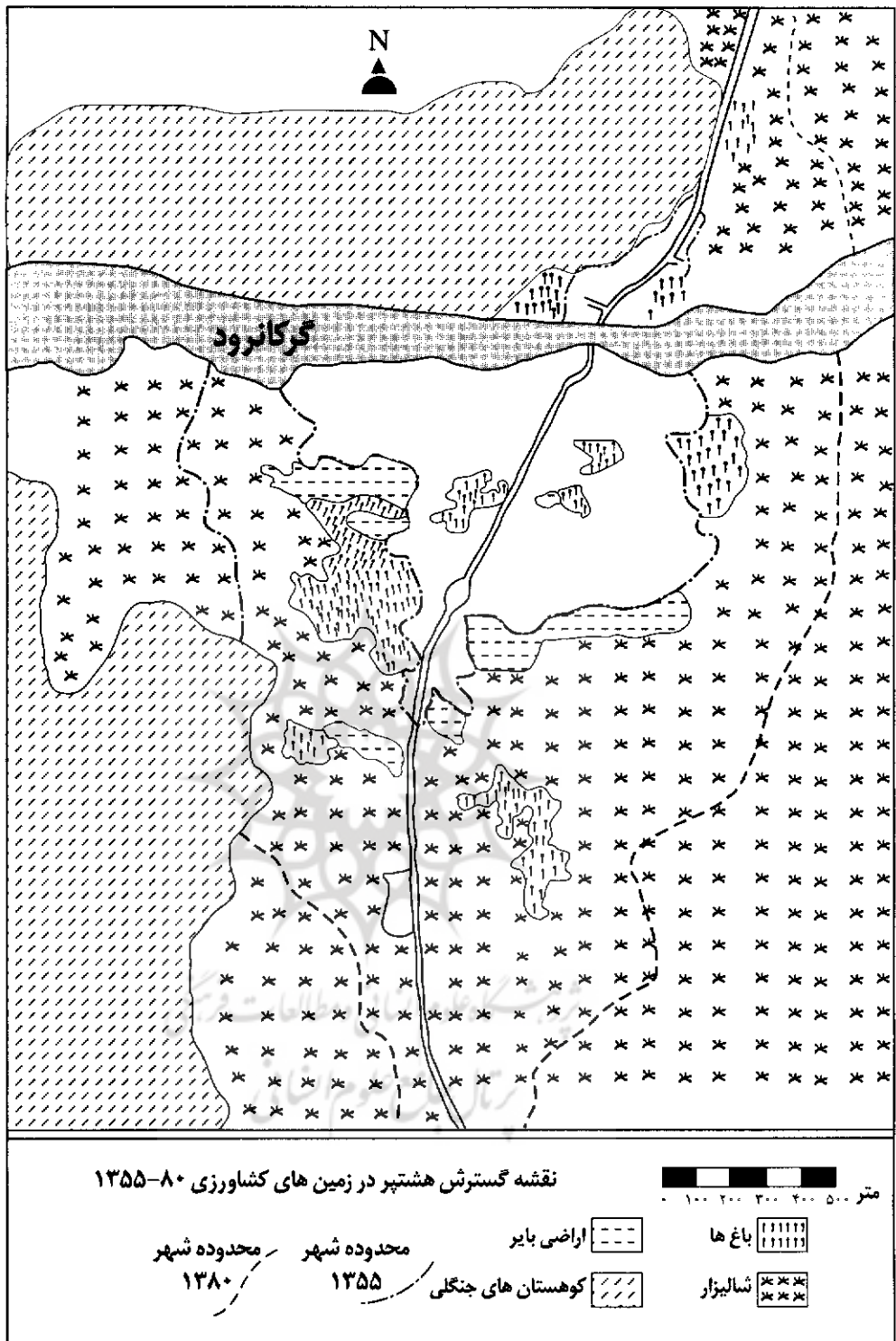
هشتپر در مدار ۵۵-۴۸ درجه‌ی طول شرقی و ۲۸-۳۷ درجه‌ی عرض شمالی در غرب دریای خزر و شمال غربی گیلان واقع است. این شهر در کوهپایه‌های جلگه‌ی ساحلی تالش و در دهانه‌ی دره‌ی گرکانرود قرار دارد، به طوری که پیشکوه‌های جنگلی رشته‌کوه تالش، از شمال غربی، کوه هره دشت، و جنوب غربی، کوه سیاه داوان، بر شهر اشراف دارند. عرض جلگه در این مکان ۶ کیلومتر است و بستر سیلابی و کبیر گرکانرود، با ایجاد پادگانه‌ی آبرفتی، شهر را از نظر توپوگرافی به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. بخش میانی شهر در بستر کبیر رودخانه ۲. شمال پادگانه‌ی آبرفتی گرکانرود در دامنه‌های کوه هره دشت؛ ۳. اراضی جنوب پادگانه‌ی آبرفتی. ارتفاع شهر از سطح دریاهای آزاد ۵۴ متر است که به علت مجاورت با کوهستان و نزدیکی به دریا، در مرز آب و هوای معتدل و مرطوب و مدیترانه‌ای واقع شده است. میانگین گرمای سالانه شهر ۳/۱۵ درجه‌ی سانتی‌گراد است که میانگین تیر ماه ۲۴/۶، و دی ماه ۶/۹ درجه‌ی سانتی‌گراد برآورد شده است. میانگین بارش سالانه ۱۱۱۱ میلی‌متر و تبخیر سالانه ۶۷۱ میلی‌متر محاسبه شده است [گنجی، ۱۳۷۲].

پیشینه‌ی شهر هشتپر

شهرنشینی در جلگه‌ی تالش از پیشینه‌ی چندانی برخوردار نیست و شهرهایی مانند آستارا و لنکران، به عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین شهرها در انتهای شمالی جلگه‌ی تالش شکل گرفتند که از دوره‌ی صفویه، مرکز تالش محسوب می‌شدند [مرعشی، ۱۳۶۴: ۲۴۲-۱۷۴، ۴۵، ۳۹۱ و ۴۷۱]. تا این که در خلال جنگ‌های ایران و روسیه در اوایل سده‌ی ۱۹ میلادی و انعقاد قراردادهای گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمنچای (۱۸۲۸م)، این بخش تالش از ایران جدا شد و به دستور فتحعلیشاه قاجار، در بخش باقیمانده‌ی تالش که فاقد مراکز شهری بود، خان نشین‌های گرکانرود، اسالم، تالش‌دولاب، شاندرمن و ماسال (موسوم به خمسه‌ی طوالش) ایجاد شد [امیر احمدیان، ۱۳۸۰: ۳۵ و ۳۶]. که مقر حکومت این خان نشین‌ها شهرهای آینده‌ی تالش

متأسفانه در طرح‌های جامع و تفصیلی شهرهای منطقه نیز به این مسأله چندان توجه نشده است، حال آن که در کشورهای صنعتی، از اواخر سده‌ی ۱۹ میلادی، به مقابله با این روند پرداخته‌اند. مثلاً «جنبش باغ - شهر که از سال ۱۸۹۸ در انگلستان بر پا شد، زمینه‌ساز برنامه‌های فضایی با تأکید بر عرصه‌های طبیعی و روستایی بود. در آن زمان رشد نامتناسب اقتصادی شهرهای بزرگ کانون اصلی انتقاد بود و این جنبش خواستار برنامه‌ریزی برای هدایت و رشد و گسترش شهرها و حفظ عرصه‌های روستایی پیرامونی آن‌ها شد» [سعیدی، ۱۳۷۶: ۱۴۸]. پیدایش و گسترش زمانی مکانی شهر هشتپر (تالش) در کوهپایه‌های جلگه‌ی ساحلی تالش، نمونه‌ی روشنی برای تبیین این مسأله است. زیرا تکوین و گسترش این شهر نوین‌یاد باعث تغییرات اکولوژیکی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای





که معادل ارگ در دیگر نقاط کشور است. مؤلف کتاب «تاریخ گیلان و دیلمستان» به مکان هایی مانند هشتپر لاهیجان، هشتپر رانکوه، هشتپر لمسر، هشتپر تنکابن و هشتپر کیسم اشاره می کند [مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۷۴-۲۴۲، ۳۹۱-۴۵۰، ۴۷۱].

چهار دهه، بعد نصرت اله خان سردار امجد، نوه ی بالاخان، در اواسط دوره ی ناصرالدین شاه قاجار عمارت اطاق سرا را با معماری

راهی ریزی کرد. در این میان، بلوک گرگانرود به علت نزدیکی به مرز روسیه، مهم ترین و وسیع ترین بخش تالش بود. در آن زمان، «مرکز گرگانرود، آبادی هشتپر و والی آن بالاخان است که فرمانده قشون تالش محسوب می شود و سراسر این ایالت به طور موروثی به وی به تیول واگذار شده است [خودزکو، ۱۳۵۷: ۸]. در واقع، واژه ی هشتپر نیز در گیلان به معنی مرکز و مقر حکومتی و نظامی ولایات بوده است



اروپایی بنا کرد که نماد و سمبول هشتر شد. هشتر و سایر مراکز حکومتی در تالش از ساحل دریا فاصله داشتند و به همین خاطر، مراکز بازاری و بنادر کوچکی مانند سفارود، آلالان، گرکانرود و حویق، در مصب رودهای تالش ایجاد شدند که اهالی تالش از این طریق با بنادر قفقاز داد و ستد می‌کردند [رهنمائی، ۱۳۸۰: ۱۵]. بنابراین در قرن ۱۹ میلادی، مراکز سیاسی و اقتصادی تالش از یکدیگر جدا افتادند و به همین خاطر، شهر تمام عیاری در این ناحیه شکل نگرفت. از این رو، تا نهضت مشروطه هشتر به عنوان مرکز سیاسی تالش از بازار ساحلی کرگانرود فاصله داشت. «بازار نزدیک دریا شامل ۶۰ دکان و در حدود ۱۵ کلبه ی چوبی است و محل اقامت خان‌ها در هشتر می‌باشد» [پیشین]. در سال ۱۲۸۶ ش، بر اثر وقایع انقلاب مشروطه، عمارت اطاقسرا و ابنیه ی پیرامون آن به آتش کشیده شد. به حکومت خان‌های گرکانرود پایان داده شد و هشتر تا سه دهه بعد محلی متروکه بود. در عوض، بازارهای ساحلی نقش اداری ناحیه را نیز بر عهده گرفتند؛ به طوری که در قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶، بازار سفارود مرکز بخش خمسه طوالش شد.

پس از اشغال ایران به دست ارتش شوروی در جریان جنگ دوم جهانی دوم (شهریور ۱۳۲۰)، روس‌ها جاده‌ای بین انزلی و آستارا از میان تالش احداث کردند تا تدارکات جنگی متفقین را از جنوب ایران به جبهه ی جنگ آلمان، راحت تر انتقال دهند. در این ارتباط، ساختن پل روی گرکانرود در نزدیکی هشتر، موجب برتری موقعیت مکانی آن نسبت به بازار ساحلی گرکانرود شد و به همین خاطر، بازاریان شهر گرکانرود را رها کردند و در دو سوی پل جدید هشتر مستقر شدند؛ به طوری که طی ۴ سال، بازار ساحلی کاملاً متروک شد و ادارات دولتی آن جا نیز به هشتر منتقل شدند. به دنبال این تحول مرکز شهرستان خمسه ی طوالش که در ۲۲ مرداد ۱۳۲۳ به شهرستان تبدیل شده بود، در ۱۸ آذر ۱۳۲۴ از سفارود به هشتر انتقال یافت [رابینو، ۱۳۵۷: ۹۸]. زیرا سفارود در حاشیه ی جنوب شرقی شهرستان قرار داشت که با توجه به وسعت شکل و امتداد طولی طوالش، پاسخگوی نیازهای اداری شهرستان جدید نبود. با این حال تا اواخر دهه ی ۱۳۲۰، هشتر قصبه محسوب می‌شد و فرهنگ جغرافیایی کشور هشتر را چنین معرفی می‌کرد: «... قصبه، مرکز فعلی شهرستان طوالش... بیش از ۱۵ سال نیست که احداث گردیده. فعلاً مرکز ادارات کشوری مانند فرمانداری، دارایی، ژاندارمری، شهربانی، بهداشتی، ثبت اسناد و سایر ادارات است. بیمارستان ۲۵ تختخوابی دارد و دبستان دولتی در شرف بناست و ۳۰ باب دکاکین در طرفین جاده قرار دارد که روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌شود. سکنه ی فعلی آن در حدود ۲۰۰۰ نفر است [صلاح عربانی، ۱۳۷۳: ۹۸]. با این حال

هشتر مرکزیت شهرستان وسیعی را عهده دار شده بود و در شعاع ۷۵ کیلومتری آن، هیچ نقطه ی شهری دیگری وجود نداشت.»

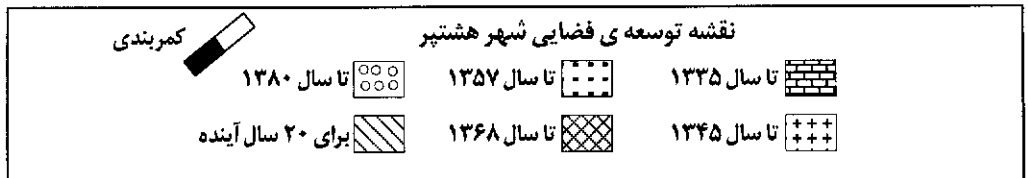
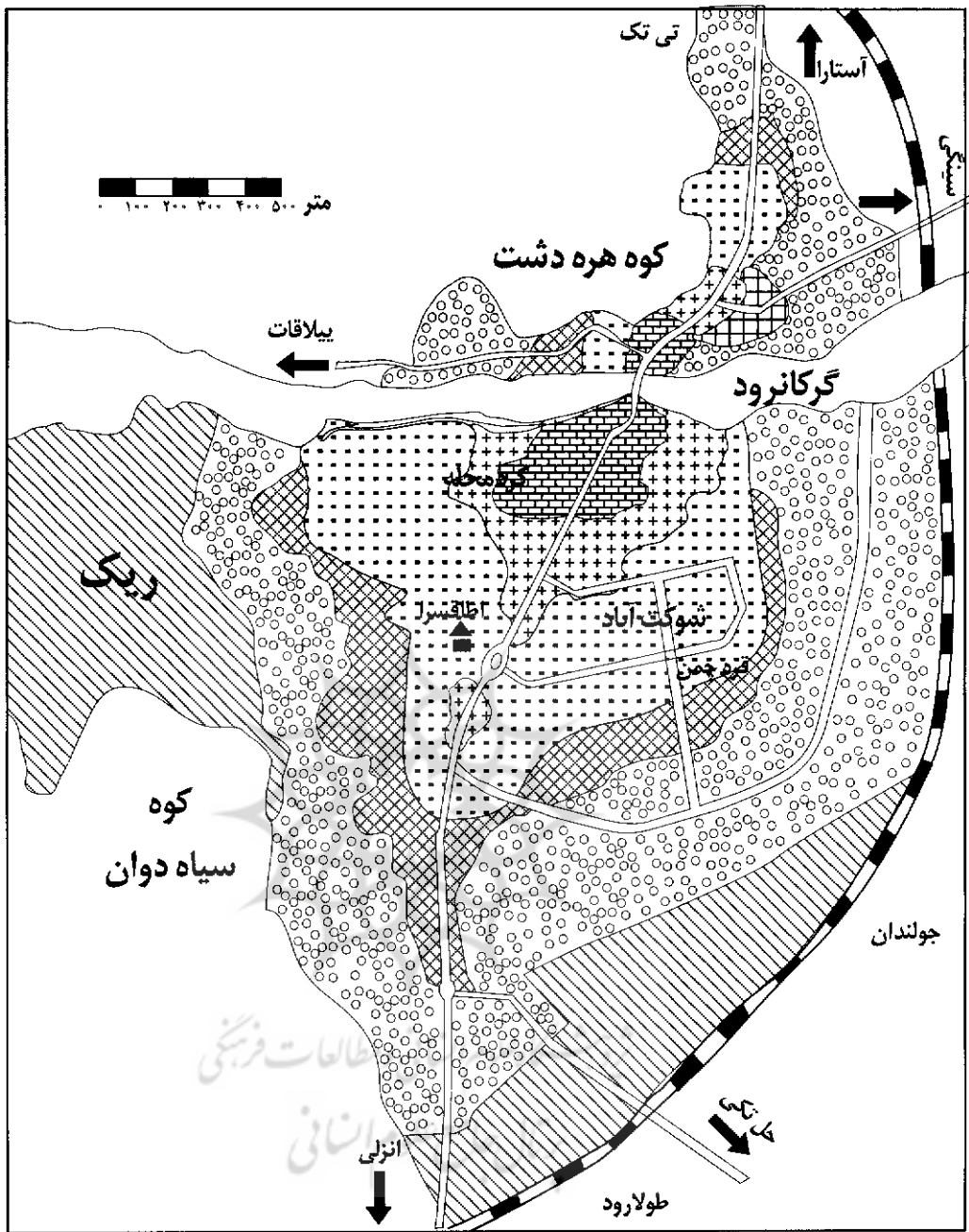
سال‌های آغازین شکل‌گیری و توسعه ی شهر از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵

هسته ی اولیه شهر از یک ردیف دکان و خانه‌های چوبی طبقه بالا و یا پشت آن تشکیل شده بود که در دو سوی پل و امتداد جاده‌ای احداثی روس‌ها مستقر شده بود. اندکی بعد، گسترش و تنوع فعالیت‌های بازار، کوچه‌های مسگران و گل‌سرخ [خیابان شهید افزای کنونی] را به وجود آورد و به تدریج بافت شهری در امتداد جنوبی جاده و به سمت شرق گسترش یافت. اما محدوده ی شمالی پل به خاطر موانع توپوگرافیک [کوه هره دشت]، توسعه ی فیزیکی چندانی نیافت. شهر جدید به سرعت پذیرای مهاجران شد. آذربایجانی‌ها که از قرن پیش مهاجرت به منطقه ی تالش را آغاز کرده بودند، اکنون در هشتر حضور فعال و چشمگیر داشتند. فقیرترین آن‌ها که عمدتاً از روستاهای کردنشین خلخال بودند، در انتهای غربی شهر، کرد محله را ایجاد کردند. گرچه خیابان آذر آبادگان در محور این محله احداث شد، اما بافت نامتناسب اجتماعی اقتصادی و کالبدی کرد محله از آغاز، همواره آن را نشانه ی «پائین شهر» و بخش نامنظم و ناهنجار شهر ساخت. در سرشماری آبان ماه ۱۳۳۵، جمعیت هشتر به ۳۳۵۴ نفر رسید [سرشماری عمومی...، ۱۳۳۵]. که نسبت به سال ۱۳۲۸، در حدود ۹/۸ درصد رشد سالانه داشت. این افزایش بیش تر ناشی از ورود دو گروه از مهاجران بود:

۱. کارمندان ادارات کشوری و لشکری که از رشت و سایر شهرهای گیلان به هشتر مأمور شده بودند.
۲. امواج تازه تر مهاجران آذری که به خاطر اقلیم سرد، افزایش جمعیت، فقر و بی کاری متوجه این سوی رشته کوه‌های تالش شده بودند [زنجان و امانی] تا از ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی این شهر استفاده کنند.

در سرشماری ۱۳۳۵، هشتر جزو ۱۳ شهری بود که به خاطر مرکزیت شهرستان، از تعریف جمعیتی شهر [حداقل ۵۰۰۰ نفر] معاف شد [زنجان، ۱۳۷۰: ۸]. در این دوره، به جز مغازه‌ها و ادارات دولتی، هشتر فاقد امکانات و مشخصات دیگر شهری بود. پیرامون شهر را باغ‌ها و شالیزارها فرا گرفته بودند و شهر تنها در شمال غربی به کوهستان منتهی می‌شد. اجرای قانون اصلاحات ارضی در اوایل دهه ی ۱۳۴۰، برخی مالکان را واداشت، املاک خود را به فضاهای بایر و غیر کشاورزی تبدیل کنند تا ضمن حفظ آن‌ها، در آینده این اراضی را به حریم و فضای شهر بیفزایند و از فروش املاک سود ببرند. با این حال تا اوایل دهه ی ۴۰، قلمروی شهر از بستر





مرحله‌ی توسعه‌ی کالبدی و کارکردی شهر از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در سرشماری سال ۱۳۴۵، جمعیت هشتمین به ۵۸۶۷ نفر رسید. براین اساس در دهه‌ی بین دو سرشماری ۳۵ و ۴۵، نرخ رشد سالانه‌ی جمعیت به ۵/۸ درصد رسید [سرشماری عمومی...، ۱۳۴۵]. و اگرچه به ملاک جمعیتی شهر نائل آمد، اما هنوز روستا-شهری بیش نبود. از سوی دیگر، نسبت جنسی ۱۱۹/۲ نفر در این سال، نشانه‌ی مهاجرت

کبیر رودخانه فراتر نرفت و به همین خاطر، سیلاب‌های گرکانرود چند بار به شهر آسیب‌های جدی رساند که شدیدترین آن‌ها در سال‌های ۱۳۲۵، ۱۳۳۵ و ۱۳۴۳ رخ داد و تقریباً تمام معابر شهر را فرا گرفت و به بسیاری از خانه‌ها آسیب زد. سرانجام در اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰، با احداث سد و دیواره‌ی بلندی در حاشیه‌ی گرکانرود، شهر مدت‌ها از خطر سیل رهایی یافت.



جوانان و مردان بدون خانواده به این شهر است که در دهه ی بعدی با همان آهنگ ادامه داشت، به گونه ای که در سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت شهر به ۱۰۴۴۴ نفر رسید. در دهه ی ۴۵-۵۵، نرخ رشد طبیعی جمعیت ۲/۹ درصد بود، اما رشد سالانه ی آن بر ۵/۹ درصد بالغ شد. بنابراین، ۳ درصد از رشد جمعیت ناشی از مهاجرت پذیری بود. با این حال، نسبت جنسی جمعیت به ۱۱۴/۸ نفر کاهش یافت [گزارش مقدماتی سرشماری...، ۱۳۵۵]. که حاکی از ورود تأخیری و تدریجی خانواده ی مهاجران است، زیرا بیش تر مهاجران در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار داشتند.

در این دوره، توسعه ی شهر عمدتاً در مسیر جاده و محدوده های دو سوی آن، و به موازات ساحل جنوب غربی گرگانرود بود. خیابان سد ساحلی و سعدی در شمال و جنوب کرد محله احداث شد. در امتداد جنوبی جاده، نخست مکان های تجاری، اداری و آموزشی به شکل گسسته، پیرامون میدان ورودی شهر ایجاد شدند. سپس عمارت اطاقسرا و فضاهای پیرامون آن بازسازی شد و به فضاهای بهداشتی درمانی و آموزشی تبدیل گردید و خیابان های پاسداران، شهرداری و مفتوح هم در جنوب غربی این محدوده در میان باغ ها احداث شدند. اما در شرق جاده، اراضی وسیع شوکت آباد با طراحی دقیق و کاربری ارضی حساب شده، در محدوده ی بین خیابان های خرمشهر و طالقانی فعلی به شهر ملحق شدند که بیش تر کاربری های اداری، آموزشی و مسکونی داشتند و ادارات دولتی شامل: فرمانداری، شهربانی، دارایی، دادگستری، مخابرات، دخانیات، بانک کشاورزی، آبیاری، آموزش و پرورش، بیش تر مدرسه های دولتی و بیمارستان ۵۰ تختخوابی، در آن استقرار یافتند. بخش مسکونی این منطقه ی شهری را ردیفی از خانه های ویلایی با معماری جدید تشکیل می داد که عمدتاً متعلق به کارمندان دولت و فرهنگیان بود.

در پایان این مرحله، مساحت شهر به شش کیلومتر مربع بالغ شده بود. توسعه ی فیزیکی، کالبدی و کارکردی شهر در این مرحله با نقش های محلی و منطقه ای آن تناسب داشت، زیرا هشتر مرکزیت داشت و پهناورترین شهرستان استان با ۳۶۷۲ کیلومتر مربع وسعت بود که محدوده ی اداری آن تا نزدیکی شهرهای آستارا، انزلی و صومعه سرا ادامه داشت و شامل ۵۶۰ آبادی بزرگ و کوچک و سه شهر کوچک می شد [مقایسه کنید با شهرستان های آستارا و انزلی که به ترتیب ۳۳۰ و ۲۸۸ کیلومتر مربع وسعت دارند]. علاوه بر این، برخی از سازمان های دولتی شهرستان، مانند آبیاری و هنگ ژاندارمری، شهرستان های اطراف را نیز پوشش می دادند. از طرف دیگر، سواحل طولانی، زیبا، و بکر، کوه های جنگلی، و ییلاقات خوش آب و هوای تالش، از پتانسیل گردشگری فراوانی برخوردار بود.

دوره ی رشد شتابان فیزیکی، دهه ی اول پس از انقلاب اسلامی در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خاطر مسائل اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، امکانات و تسهیلات شهری رشد چندانی نکرد، اما تداوم روند مهاجرت موجب گسترش فیزیکی بیش تر شهر شد، به طوری که باغ های شهری و شالیزارهای وسیعی پیرامون شهر، به زیر ساخت و ساز محله های مسکونی رفت [نگاه کنید به نقشه ها ۲ و ۳] و مساحت شهر را در سال ۱۳۶۴ به ۸/۷۵ کیلومتر مربع رساند [مساحت و مختصات جغرافیایی...، ۱۳۶۴]. جمعیت شهر نیز در سال ۱۳۶۵ بر ۲۴۱۸۲ نفر بالغ شد که حاکی از رشد سالانه ی ۸/۸ درصد، طی دهه ی ۶۵-۵۵ بود که در سال ۶۵، تنها ۵/۹ درصد ساکنان شهر متولد شهرهای دیگر بودند [سرشماری عمومی...، ۱۳۶۵]. و بیش تر بومیان در گروه های سنی زیر ۲۰ سال قرار داشتند و به همین خاطر در سال مذکور، شهرستان تالش به همراه گنبد کاووس، کم ترین جمعیت کهنسال را دارا بود [نظری، ۱۳۶۸: ۱۴۵]. اما نسبت جنسی جمعیت به ۱۰۲/۵ درصد رسید که در مقایسه با دهه های پیشین، کاهش چشمگیری یافت. علت این امر مهاجرت های خانوادگی به شهر و مهاجرت عده ای از مردان و جوانان به شهرهای دیگر است.

در طول دهه ی مذکور، ۴۳/۷ درصد مهاجران از نقاط روستایی شهرستان تالش و دیگر شهرستان های گیلان، و ۳۲/۵ درصد از آذربایجان شرقی بودند. [پیشین]. به طور طبیعی، دو برابر شدن جمعیت طی این دهه، به گسترش فیزیکی شهر از همه ی جهات منجر شد. بدین ترتیب که: در شرق، اراضی وسیع زراعی قره چمن به سرعت زیر ساخت و سازهای مسکونی قرار گرفت. در جنوب، شهر در امتداد جاده ی انزلی از پمپ بنزین تا سه راه تکی گسترش یافت و بولواری در این محدوده احداث شد. در نتیجه، شالیزارها و باغ های بین این بولواری، عمارت اطاقسرا و کوه سیاه دوان، کاملاً به محله ی مسکونی تبدیل شدند و پادگان هنگ ژاندارمری به زیر این کوه منتقل گردید. در شمال غربی، شهر به رشد خطی خود ادامه داد و به محدوده ی روستای تی تک رسید و ورزشگاه پوریای ولی در انتهای آن قرار گرفت.

مرحله ی گسترش شهری هشتر پس از جنگ تحمیلی

به دنبال پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره ی سازندگی، در هشتر نیز برخی فعالیت های عمران شهری آغاز شد. در تابستان ۱۳۶۸، در بخشی از محوطه ی عمارت اطاقسرا پارک کوچکی احداث کردند و سال بعد نیز دو قطعه زمین بایر در قره چمن به پارک تبدیل شد؛ در حالی که تا این زمان ساکنان شهر تنها تفریحگاه خود را در خیابان سد ساحلی [کنار رودخانه] یافته بودند. اما عملیات احداث پارک دیگری در بستر گرگانرود، به دلیل هراس از بازگشت سیل، به طور ناتمام رها گردید؛ زیرا منحنی دبی ۲۰ ساله ی رودخانه نوسانات قابل توجهی را



در حجم تخلیه‌ی سالانه‌ی آن نشان می‌داد. به گونه‌ای که در سال‌های ۴۲ و ۴۷، به حدود ۴۱۸ میلیون متر مکعب رسید که انحراف زیادی را از میانگین این دوره [۲۴۲/۵ میلیون متر مکعب] نشان می‌دهد [رهنمائی: ۱۴۵].

در این مرحله نیز، گسترش فیزیکی بیش از پیش مشخصه‌ی اصلی تحولات شهر است؛ هر چند که اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در آغاز همین دوره بر روند رشد طبیعی جمعیت مؤثر بود. چون در سرشماری سال ۱۳۷۰، جمعیت هشتمین به ۲۹۲۲۱ نفر رسید که حاکی از نرخ رشد سالانه‌ی ۳/۹ درصد بین سال‌های ۶۵-۷۰ است [سرشماری عمومی...، ۱۳۷۰]. در سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت شهر ۳۳۶۴۰ نفر اعلام گردید. در نتیجه، رشد سالانه‌ی جمعیت در این دوره‌ی ۵ ساله، ۲/۹ درصد و نسبت جنسی به ۱۰۱/۴ نفر کاهش یافت [سرشماری عمومی...، ۱۳۷۵]. در طول این سال‌ها، به طور بی‌سابقه‌ای، علاوه بر مهاجرت‌های برون‌شهرستانی، مهاجرت از روستاهای تالش به داخل شهر افزایش یافت که این امر حاکی از افزایش تعداد جوانان تحصیل‌کرده‌ی روستایی است که دیگر جایی در اقتصاد کشاورزی روستاها ندارند و پس از تشکیل خانواده و به دست آوردن ارثیه‌ی خود، ساکن شهر می‌شوند. علاوه بر این، الحاق روستاهای اطراف به شهر نیز تأثیرات جمعیتی خاص خود را به همراه داشته است. بنابراین، توسعه‌ی فیزیکی شهر تا پایان این مرحله بدین گونه خلاصه می‌شود:

الف) در جهت شرق: با احداث خیابان کمربندی و طرح جاده‌ی کمربندی بزرگ‌تری در محیط خارجی این محدوده، بخش وسیعی از اراضی کشاورزی و باغ‌های روستاهای سوره پشت و حیابان، در داخل شهر قرار گرفتند.

ب) در ساحل شمالی گرگانرود: شهر در چهار جهت گسترش یافت: ۱. در امتداد جاده‌ی قدیمی منتهی به بندر متروکه‌ی گرگانرود [شمال شرقی]، محدوده‌ی شهری به روستای سینکی رسیده است؛ ۲. در محدوده‌ی بین جاده‌ی کمربندی و خیابان فردوسی [ادامه خیابان اصلی و جاده‌ی آستارا] و پیرامون گورستان شهر، اراضی و شالیزارهای روستای شیلو به محدوده‌ی شهر پیوست؛ ۳. در دامنه‌ی شرقی کوه هره دشت و دره‌ی شمالی آن [اطراف ورزشگاه پوریای ولی]، محدوده‌ی شهر به داخل جنگل‌ها پیش رفته و تمام محدوده‌ی روستای تی تک را به داخل شهر کشانده است. ۴. در ساحل شمال غربی رودخانه و جبهه‌ی جنوبی کوه هره دشت. به موازات جاده، بییلاقات محدوده‌ی شهری گسترش یافته روستای کوهپایه‌ای هره دشت به شهر ضمیمه شد.

ج) در محدوده‌ی غربی: تا مدت‌ها شهر به چاله میدان در کرد محله منتهی می‌شد. اما در سال‌های اخیر، به موازات ساحل جنوبی رودخانه،

شهر در امتداد جاده‌ی منتهی به روستای ریک به صورت دهلیزی پیش رفته و مکان موسوم به کاروانسرا در بر گرفته است و به تدریج شالیزارها و باغ‌های متصل به ضلع غربی شهر بین این محله و دامنه‌های کوه سیاداوان در جنوب شرقی، به زیر ساخت و سازهای شهری می‌رود.

د) در جنوب: در امتداد جاده‌ی انزلی، محدوده‌ی شهری از سه راه تکی به سمت شالیزارها و اراضی روستاهای ترشابر و طولارود پیشروی کرده و پایانه‌ی مسافربری شهر در آن احداث شده است. اخیراً

جدول ۱. نرخ رشد جمعیت شهر هشتمین طی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

سال سرشماری	جمعیت	رشد سالانه‌ی جمعیت	
		دوره	درصد
۱۳۲۸	۲۰۰۰	۲۸-۳۵	۹/۸٪
۱۳۳۵	۳۳۵۴	۳۵-۴۵	۵/۸٪
۱۳۴۵	۵۸۶۷	۴۵-۵۵	۵/۹٪
۱۳۵۵	۱۰۴۴۴	۵۵-۶۵	۸/۸٪
۱۳۶۵	۲۴۱۸۲	۶۵-۷۰	۳/۹٪
۱۳۷۰	۲۹۲۲۱	۷۰-۷۵	۲/۹٪
۱۳۷۵	۳۳۶۴۰	-	-

نیز با استقرار دانشگاه پیام نور تالش، هنرستان فنی و ساختمان هلال احمر در کنار جاده، عملاً محدوده‌ی شهر، مرکز دهستان طولارود را در نور دیده است.

ویژگی‌های بافت کنونی شهر و توسعه‌ی آینده آن

با تمرکز و تراکم شدیدتر کاربری‌های گوناگون در مجاورت خیابان اصلی و منطقه‌ی مرکزی و قدیمی شهر، گسترش فیزیکی سال‌های اخیر شهر به سمت بافت‌های حاشیه‌ای، و الحاق برخی از روستاها به شهر، عملاً دو بافت شهری متفاوت ایجاد شد. از منطقه‌ی مرکزی شهر به سمت شمال شرق و جنوب، از تراکم بافت شهری کاسته و به بافتی متخلخل، و در اراضی حاشیه‌ای به بافتی روستایی، تبدیل می‌شود که معمولاً واحدهای مسکونی در درون قطعات بزرگ کشاورزی و یا باغ‌ها ساخته شده‌اند، به طوری که ۵۰ درصد سطح کل شهر را در محدوده‌ی قانونی موجود، باغ‌ها و قطعات بزرگ کشاورزی تشکیل می‌دهند [طرح جامع و تفصیلی شهر هشتمین، ۱۳۷۵]. در نتیجه، گسترش افقی شهر بسیار بیش‌تر از رشد جمعیت است. در واقع، با ایجاد اراضی بایر و فضاهای خالی، زمینه برای جذب جمعیت و ساخت و سازهای جدید فراهم می‌آید. در حالی که توسعه‌ی عمودی و آپارتمان‌نشینی نیز در شهر شکل نگرفته است؛ به طوری که در سال ۱۳۷۳، از تعداد ۶۲۰۰ واحد مسکونی، ۵۷۲۰ واحد (۹۲/۳٪) یک



طبقه و ۴۴۰ واحد (۷/۱٪) دو طبقه و ۴۰ واحد (۰/۶٪) بیش از دو طبقه بودند. در همین سال، ۵۱/۳ درصد ساختمان‌ها بیش از ۱۰۰ متر زیربنا داشتند [پیشین].

نکته‌ی بسیار مهم در گسترش فیزیکی شهر این است که به ازای تخریب باغ‌ها، شالیزارها و جنگل‌های پیرامون شهر، هیچ نقش صنعتی، تولیدی، آموزشی و گردشگری بدان افزوده نشده و تنها بخش خدمات و خرده‌فروشی به طوری رویه گسترش یافته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۳، با داشتن ۲۴۸۰ واحد تجاری و خدماتی، برای هر سه خانوار یک واحد، و هر پنج خانوار یک خرده‌فروشی وجود داشت [پیشین]. البته به نظر می‌رسد، مسافران ناستانی و حوزه‌ی نفوذ شهر تا حدودی توجیه‌کننده‌ی رشد بخش خدمات است، اما به دلایل زیر نمی‌توان این توجیه را پذیرفت.

۱. شکل طولیل شهرستان تالش مانع از شکل‌گیری نظام خدمات رسانی فراگیر براساس سلسله مراتب اداری شهرستان شده است و مراکز خدماتی کوچک کنار جاده انزلی و آستارا، مانند اسالم، خلیفه آباد، جوکندان، لیسار، خطبه سرا، حویق و چوبر، از مراجعه‌ی مستقیم به هشتر کاسته‌اند [بازن، ۵۴۱].

۲. تبدیل بخش‌های رضوان شهر و ماسال به شهرستان در سال ۱۳۷۶، و ایجاد بخش‌های مستقل در اسالم و لیسار، از نقش اداری، سیاسی و خدماتی هشتر کاسته است.

۳. شکوفایی و رشد بندر انزلی و بندر مرزی آستارا از نظر اقتصادی [به خاطر بازارچه‌ی مرزی و منطقه‌ی آزاد تجاری]، آموزشی و گردشگری، همچنین گسترش شهرهای پره سر و رضوانشهر در فاصله‌ی بین هشتر و انزلی، مراجعه به هشتر را محدودتر ساخت؛ به طوری که حوزه‌ی نفوذ واقعی شهر به زحمت ۴۰ روستای پیرامون آن را پوشش می‌دهد.

۴. پیشروی آب دریای خزر در سال‌های ۷۰-۶۹ و به زیر آب رفتن سواحل زیبا و حاشیه‌ی جنگلی گردشگرپذیر آن، در کنار نبود امکانات و تسهیلات گردشگری در شهر، تأثیر حضور گردشگران را در بخش خدماتی شهر هنوز جدی نساخته است و تنها مسافران عازم بازارچه آستارا و آب معدنی اردبیل گاه در شهر توقفی می‌کنند.

نگاهی به طرح جامع شهر

هر چند که در طرح جامع شهر که در سال ۱۳۷۵ تدوین شد، هدف ساماندهی آبی شهر در محدوده‌ی کنونی پیش بینی شده و سعی گردیده است، از گسترش محدوده‌ی کنونی جلوگیری شود، اما الحاق برخی روستاهای مجاور به شهر در سال‌های اخیر، سبب پیدایش فضای خالی شد. تعیین کاربری برای این گونه اراضی و تأمین ساختارهای خدماتی مناطق الحاق شده به شهر ضروری است. در طرح جامع، ۲۷۰ هکتار

به کاربری‌های شهری اضافه شده که شامل: ۲۵ درصد مسکونی، ۲۵ درصد خدماتی، ۳۰/۵ درصد فضای سبز و پارک و ۱۹/۵ درصد شبکه‌های شهری است. در محدوده‌ی بافت شهری، افزایش تراکم برای استفاده‌ی بیش‌تر از ظرفیت‌های آن پیشنهاد شده است، اما در بخشی از بافت شهری که زمین دارای حرکت و جا به جایی بوده، افزایش تراکم توصیه نشده است. در ابتدای طرح جامع، شهر به هفت محله تقسیم شد که جمعیت کل آن ۲۸۳۵۰ نفر است [طرح جامع...].

جدول ۲. مشخصات شهر هشتر در طرح جامع آینده‌ی شهر (افق ۱۳۹۵)

ناحیه	تعداد محله	تعداد جمعیت	تراکم ناخالص نفر-هکتار	تراکم خالص نفر-هکتار
یک	۶	۱۹۵۰۰	۸۰	۱۹۴
دو	۸	۲۵۵۰۰	۹۰	۲۰۴
سه	۲	۱۰۰۰۰	۶۴	۹۰
جمع	۱۶	۵۵۰۰۰	*****	*****

۱۳۷۵]. در انتهای دوره‌ی ۲۰ ساله (۱۳۹۵ ش، شهر از ۵۵۰۰۰۰ نفر جمعیت، ۷۰۵ هکتار وسعت، ۳ منطقه و ۱۶ محله به شرح جدول ۲ خواهد بود.

با نگاهی به نقشه‌ی توسعه‌ی شهر [نقشه‌های ۱ و ۲] و گسترش آینده‌ی آن در طرح جامع در می‌یابیم که گسترش شهر به سوی فضاهای روستایی-کشاورزی و حتی جنگلی و کوهپایه‌ای پیرامون شهر ادامه خواهد یافت. علت تداوم این روند علاوه بر مهاجرت، اقدامات تعاونی‌های مسکن است که به موازات گسترش دیوانسالاری اداری، در صدد احداث شهرک کارمندان و یا واگذاری زمین در اراضی پیرامون شهر به کارمندان خود هستند. به هر حال، روندهای مکانی-زمانی موجود، توسعه‌ی آبی شهر را تا حدود زیادی به این شرح مشخص می‌سازد.

۱. در غرب: شهر نهایت توسعه‌ی خود را در داخل دره‌ی کرگانرود خواهد داشت؛ به طوری که اراضی کشاورزی روستای ریک تا دهانه‌ی سراگا [دهانه‌ی دره‌ای که محل پیوستن آخرین شاخه‌ی کرگانرود است]، در محدوده‌ی توسعه شهر قرار می‌گیرد.

۲. در جنوب شرقی: در امتداد جاده‌ی ساحل تکی و شرق جاده‌ی انزلی، شالیزارهای زیادی در محدوده‌ی بین روستاهای جولندان و طولارود به شهر ملحق خواهد شد؛ به گونه‌ای که در آینده‌ای نه چندان دور، در امتداد جاده‌ی انزلی، با الحاق اراضی اطراف دانشگاه پیام نور، هنرستان صنعتی و هلال احمر، محدوده‌ی شهر به بخش اسالم خواهد رسید و از سوی دیگر، در امتداد جاده‌ی دریا حرکت خواهد کرد.

۳. در شرق: که فضای یکدست و یکپارچه‌ای از شالیزارها به

عمق ۵ کیلومتر تا دریا کشیده است، بازترین عرصه برای گسترش شهر خواهد بود. به ویژه با عبور کمربندی شهر از این قسمت، جاده‌ی ترانزیتی آستارا و اردبیل به این سمت منتقل می‌شود که به افزایش قیمت زمین‌ها و به اصطلاح مرغوبیت آن‌ها از نظر کاربری مسکونی و تجاری منجر خواهد شد. بدین ترتیب، علاوه بر اراضی روستای سوره پشت، اراضی کشاورزی روستاهای بلوطه، حیان و میانکوه نیز به بافت شهری افزوده خواهند شد و چه بسا که با در نور دیدن تمام این محدوده، هشتر به شهری ساحلی تبدیل شود.

۴. در شمال شرقی: در امتداد جاده‌ی منتهی به مصب گرکانرود، فضای خالی بین روستای سینکی و شهر در حال پر شدن است.

۵. منتهای شمالی: با پیوستن جاده‌ی کمربندی به ابتدای جاده‌ی آستارا، محدوده‌های پیرامون هتل جدید تالش و روستای تی تک، با ساخت و سازهای شهری پر می‌شود و محدوده‌ی شهر به روستای تره خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

جلگه‌ی باریک تالش همچون سایر بخش‌های منطقه‌ی خزری از ظرفیت‌های زیست-محیطی منحصربه‌فردی در عرصه‌ی جغرافیایی ایران برخوردار است. اما گسترش شهر نشینی طی دهه‌های اخیر، عرصه‌های زیستی، کشاورزی، جنگل، کوهپایه و بستر رودخانه را به زیر ساخت و سازهای نامتناسب شهری برده است. رویش و گسترش شهر هشتر نمونه‌ای قابل تعمیم برای تمام منطقه‌ی خزری است. این مکان نه چندان قدیمی، توسط حکومت محلی تالش، بر اثر حوادث جنگ دوم جهانی، احیا شد و با جذب مهاجران شهرستان‌های اطراف، گسترشی غالباً فیزیکی یافته و نقش شهر بیش از اندازه‌ی خدماتی است. در حالی که با توجه به موقعیت آن، نقش‌های متناسب‌تر و بهتری را می‌توان به هشتر سپرد. در این جا باید به این پرسش برنامه‌ریزان شهری پاسخ بدهیم که رشد و گسترش شهر تا کجا؟ و به چه قیمتی؟ آیا تا جایی که عرصه‌های زیستی استثنای شمال کشور تخریب شوند؟ یا به قیمت کاهش سطح زیر کشت برنج؟ مسلماً تا زمانی که اهمیت کشاورزی و محیط طبیعی منطقه خزری بخوبی درک نشود و ارزش و سود فعالیت‌های کشاورزی در برابر بورس بازی زمین شهری همچنان رنگ ببازد، امید به بهبود اوضاع نمی‌رود. به ویژه به خاطر بیابوریم که صاحبان این اراضی از دهه‌ی ۱۳۴۰ برای توسعه‌ی کشاورزی و جامعه‌ی روستایی، از رهگذر اصلاحات ارضی مالک زمین شدند.

زیرنویس

۱. گرکانرود مهم‌ترین رودخانه‌ی منطقه‌ی تالش است و از میان شهر هشتر می‌گذرد. وسعت حوضه‌ی آبریز آن ۵۲۳ کیلومتر مربع است که نام خود را به

بزرگترین بخش [بلوک] تالش داده است. ضمناً، بازار ساحلی مصب این رودخانه نیز گرکانرود نام گرفت و بالاخره امروزه طبق آخرین تقسیمات کشوری، گرکانرود تنها به بخشی در شمال شهرستان تالش به مرکزیت لیسار اطلاق می‌شود که خارج از حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی گرکانرود قرار دارد.

منابع

۱. امیر احمدیان، بهرام. تالش ولایتی تاریخی. فصل‌نامه‌ی تحقیقات تالش. شماره‌ی اول. پائیز ۱۳۸۰.
۲. بازن، مارسل. طالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران. ترجمه‌ی مظفر امین فرشچیان. آستان قدس رضوی. مشهد.
۳. خودزکو، الکساندر. سرزمین گیلان. ترجمه‌ی سیروس سهامی. انتشارات پیام. ۱۳۵۷.
۴. رایینو، ه. ل. ولایات دارالمرزایران. گیلان. ترجمه‌ی جعفر خماسی زاده. طاعتی. رشت. ۱۳۵۷.
۵. رهنمائی، محمد تقی. کجایی تالش. فصل‌نامه‌ی تحقیقات تالش. شماره‌ی اول. پائیز ۱۳۸۰.
۶. رهنمائی، محمد تقی. مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (۴). جغرافیا.
۷. زنجانی، حبیب اله و امانی، مسعود. تقویم تاریخی دموگرافیک ایران. ج ۱.
۸. زنجانی، حبیب اله. مجموعه‌ی مباحث و روش‌های شهرسازی. جمعیت. ۱۳۶۹.
۹. زنجانی، حبیب اله. مجموعه‌ی مباحث و روش‌های شهرسازی (۱). جمعیت. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. ۱۳۷۰.
۱۰. زنجانی، حبیب اله. جمعیت و شهرنشینی در ایران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. ۱۳۷۱.
۱۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان‌ماه ۱۳۳۵. وزارت کشور، شماره‌ی ۱۰۵، شهرستان تالش.
۱۲. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان‌ماه ۱۳۴۵. مرکز آمار ایران. شهرستان طوالش.
۱۳. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵. مرکز آمار ایران. شهرستان تالش.
۱۴. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۰. مرکز آمار ایران. شهرستان تالش.
۱۵. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵. مرکز آمار ایران. شهرستان تالش.
۱۶. سعیدی، عباس. مبانی جغرافیای روستایی. سمت. ۱۳۷۶.
۱۷. سوداگر، محمدرضا. رشد روابط سرمایه‌داری در ایران؛ مرحله‌ی گسترش. شعله‌ی اندیشه. ۱۳۶۹.
۱۸. صلاح عربانی، ابراهیم. گیلان در تقسیمات کشوری، کتاب گیلان. ج ۱، گروه پژوهشگران ایران، وزارت ارشاد. ۱۳۷۲.
۱۹. طرح جامع و تفصیلی شهر هشتر. وزارت مسکن و شهرسازی. ۱۳۷۵.
۲۰. گنجی، محمد حسن. آب و هوای گیلان در کتاب گیلان. ج ۱. به کوشش اصلاح عربانی و دیگران. وزارت ارشاد. ۱۳۷۲.
۲۱. گزارش مقدماتی نفوس و مسکن ۱۳۵۵. مرکز آمار ایران. شهرستان طوالش.
۲۲. مرعشی، سیدظهیرالدین. تاریخ گیلان و دیلمستان. به تصحیح منوچهر ستوده مؤسسه اطلاعات. ۱۳۶۴.
۲۳. مساحت و مختصات جغرافیایی شهرهای کشور. مرکز آمار ایران. ۱۳۶۴.
۲۴. مؤسسه‌ی مطالعه و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. وقایع سال ۱۲۹۷.
۲۵. نظری، علی اصغر. جغرافیای جمعیت ایران. گیتاشناسی. تهران. ۱۳۶۸.
۲۶. فرهنگ جغرافیایی ایران. ج ۲. استان یکم. ستاد ارتش. ۱۳۲۸.

